

نشانه های تشخیص القائن شیطانی از الهامات الهی

طیبه کربلایی^۱

چکیده

انسان در طول حرکت خود به سوی رشد و تعالی به سوی پروردگار به مرحله ای می رسد که آماده دریافت خطورات می شود. این خواطر گاهی از سوی خداوند متعال بر قلب انسان وارد می شود که به آن الهام می گویند و گاهی از ناحیه شیطان به قلب آدمی رسوخ می کند که به آن القاء می گویند. راه های شناخت و تمیز این دو خطور برای کسانی که می خواهند به سوی سعادت ابدی برسند ضروری است. شناخت القائن شیطانی از الهامات الهی کمک می کند بین آن دو فرق گذاشته و فریب شیطان را نخوریم و دچار سقوط از درگاه الهی نشویم. این مقاله که به صورت کتابخانه ای جمع آوری شده و روش پردازش مطالب؛ توصیفی-تحلیلی می باشد؛ نشانه های الهام را همچون؛ آرامش قلب، سازگاری با عقل، حرکت به سوی کمال و دعوت به سوی خیر شرح می دهد. در بخش نشانه های القائن در قرآن، دعوت به کفر و ناسپاسی، وسوسه نفس، دادن وعده های دروغ، آسان نشان دادن گناهان، زینت دادن گناهان، فرو بردن در آرزوهای طولانی، ایجاد دشمنی، فراموشی نعمت ها، حرکت گام به گام و تهاجم همه جانبه را تبیین می کند. با انجام راههای مطرح شده تا حدود زیادی می تواند القائن شیطانی را از الهام الهی تشخیص داد تا از مسیر و راه حق تعالی منحرف نشد.

کلید واژه ها: راه های تشخیص، القائن شیطانی، الهامات الهی

۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه الزهرا شهربابک، استان کرمان، مقاله اول، ۰۹۱۳۷۰۶۷۹۹۱.

مقدمه

جدال بین سپاه فرشته و جنود شیطان از چالش های مهم قلمرو عرفان، کلام و فلسفه است. این جدال به صورت خطورات به سمت قلب و روح انسان می آید. شناخت این الهامات الهی از القائنات شیطانی به انسان کمک می کند تا بتواند راه درست را تشخیص دهد.

شخیص دادن القائنات شیطانی از الهامات الهی سخت می شود زمانی که شیطان می کوشد تا به هر روشی به قلمرو دل انسان نفوذ کند و او را از مسیر اصلی و حقیقی دور کند شیطان با اغوا و القاء افکار او را به سوی گمراهی سوق میدهد و افکار انسان را در دست می گیرد. افکاری که با القاء آنها به ظاهر خیرخواهانه برای راهبرد اهداف شیطانی خود استفاده می کند. در نتیجه این افکار محرکی برای انجام افعال شیطانی می شود. شناخت این عملکرد شیطان کمک می کند تا او به اهداف شوم خود نرسد و انسان به سعادت دنیوی و اخروی برسد.

با این که القائنات اصلی ترین و اولین حربه شیطان است ولی عموم مردم آگاهی کافی درمورد راههای شناخت آن نیست. بیشتر مطالب ارائه شده درمورد القائنات شیطانی به صورت اشاره ای گذرا به این مطلب است. مقاله هایی هم دراین باب نوشته شده که از دیدگاه علم خاص به این موضوع پرداخته است که مورد استفاده عموم نیست. دراین مقاله سعی شده به روش کتابخانه ای و توصیفی به برخی راههای شناخت به زان ساده تر پرداخته شود.

مقالات و کتاب هایی که در این مورد نوشته شده است، اندک می باشد. به عنوان نمونه: ۱- کتاب الهامات قدسی و القائنات شیطانی از منظر صدرالمتهین به قلم منا فریدی خورشیدی، انتشارات: تهران: سازمان چاپ و نشر ایران، ۱۴۰۰. ش. در این کتاب این مسئله در حوزه فلسفه و در چاچوب عقلی و نقلی از دیدگاه ملا صدرا بررسی می شود. این کتاب در سطح بالای علمی نوشته شده است که برای عوام مناسب نیست؛ در مقاله پیش رو دیدگاه قرآن، احادیث و عقل در تشخیص القائنات شیطانی از الهامات قدسی با زبانی ساده تر یاریگر خواننده عام و خاص است.

مقاله ای که در این زمینه وجود داشته باشد بسیار نادر است؛ فقط به یک مورد رسیدیم، از سید صدرالدین طاهری، دو فصلنامه پژوهش های معرفت شناختی، دوره ۱، شماره ۱، سال انتشار ۱۳۹۱، که در این مقاله به دیدگاه ملا صدرا پرداخته شده است؛ اما در مقاله پیش روبیشتر از آیات و روایات استفاده شده است. این نوشتار در صدد پاسخگویی به سوالات ذیل است: سوال اصلی: برا تشخیص

الهامات از القائنات شیطانی در قرآن چه راههایی وجود دارد؟ سوالات فرعی: ۱- الهامات دارای چه خصوصیتی در قرآن هستند؟ ۲- القائنات در قرآن دارای چه نشانه هایی هستند؟

مفهوم شناسی

۱- الهامات قدسی

الهام، مصدر باب «افعال» از ریشه (ل ه م)، به معنای در دل افکندن، در دل انداختن می باشد.^۱ الهام آن چیزی است که در قلب فرود آید.^۲

الهام در اصطلاح به معنای القای معنی خاص در قلب به طریق فیض، بدون اکتساب و فکر و بدون استفاضه، بلکه وارد غیبی است که بر قلب وارد می شود.^۳ پس الهام نوعی موهبتی الهی است. علامه طباطبایی(ره) این افاضه الهی را صور علمیه ای می داند که یا تصویری است و یا تصدیقی و خداوند آن را در دل هر کس که بخواهد می اندازد.^۴ شرط این موهبت آن است که انسان را به فعل خیری یا ترک شری برانگیزد.^۵ بنابراین الهام از سوی خداوند و در دل انسان های پاک صورت می گیرد که در این مقاله بحث در مورد همین نوع از الهام است.

۲- القائات شیطانی

واژه القاء، مصدر از ریشه (ل ق ی) است که در لغت به معنای فرو انداختن افکندن و ساندیدن و املاء کردن سخن می باشد.^۶ منشأ القائات شیطانی همان طور که از نامشان پیداست شیطان می باشد به همین منظور جهت تبیین القائات شیطانی بررسی منشأ آن یعنی شیطان، ضروری می نمود. واژه «شیطان» ۸۸ بار در قرآن آمده است. ۶۴ بار به صورت مفرد و معرفه، ۶ بار به صورت مفرد و نکره و ۱۸ بار به صورت جمع به کار رفته است. شیطان، جنس است و شامل هر موجود متمرّد و طغیان-گری می شود ولی ابلیس، اسم است برای همان موجود متکبری که خداوند او را از جمع ملائکه بیرون راند. حقیقت شیطان نیز همانطور که در آیه ۱۲ سوره اعراف آمده از آتش است.^۷

حکما ثابت کرده اند که شیاطین موجوداتی هستند که مکان را فرا نگرفته و فرود در مکان نمی آیند و آنها از اجسام، مجردند.^۸ حقیقت شیطان جوهری نفسانی است که به شر و بدی عمل می کند

۱. دهخدا، علی اکبر ج ۸، ص ۱۱۳.

۲. طریحی، ج ۴، ص ۱۴۶. رازی، ج ۳۱، ص ۱۹۳.

۳. سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ص ۲۸۲.

۴. طباطبایی، سید حسین، میزان، ج ۲۰، ص ۴۲۸.

۵. همان.

۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۸، ص ۵۸.

۷. طاهری، سید صدرالدین، الهامات قدسی و القائات شیطانی از دیدگاه ملاصدرا، ص ۲۲.

۸. صدر المتألهین شیرازی، محمدبن ابراهیم، الحکمه المتعالیه، ج ۱، ص ۳۰۲.

و او منشأ تمامی کارهای زشت و گرایشهای ناپسند است. همه وسوسه ها و نیرنگ ها منبعث از او است و می کوشد تا باطل و پوچ را در لباس حق و واقعیت نشان دهد.^۱

شیطان عبارت است از مخلوقی که شأنش وعد وعید به شر و تخویف به فقر در وقت اراده خیر است.^۲ بنابراین القائنات شیطانی نتیجه اش امر به سوی بدی ها و دور شدن از خداوند متعال است.

۱- نشانه های الهامات قدسی در قرآن

الهام یکی از اقسام وحی است که خود دارای اقسامی است. بر اساس آموزه های وحیانی قرآن، همه انسان ها از الهام برخوردار هستند و نفس در حالت استوا و اعتدال از این توانایی برخوردار است. این الهامات به انسان کمک می کند تا حق و باطل و مصادیق آن ها را بشناسد و گرایش های خویش را بر اساس حقانیت سامان دهد.^۳ برای تشخیص الهام از القائنات نشانه هایی وجود دارد که عبارتند از:

۱-۱- آرامش قلب

وقتی الهام از سوی خداوند متعال باشد باعث آرامش روح و قلب می شود. «الا بذکرالله تطمئن القلوب؛ آگاه باش که با یاد خدا دلها آرام می شود.»^۴ اطمینان به معنای سکون و آرامش است، و اطمینان داشتن به چیزی عبارتست از این که، انسان با آن، دلگرم و خاطر جمع شود.^۵ وقتی چیزی به انسان از طریق ذهن می رسد؛ باید باعث آرامش شود تا معلوم شود از سوی خداوند است. زیرا الهامات از سوی خداوند است و هر چه از سوی خداوند به انسان رسد باید باعث آرامش او شود. اگر دچار تشویش و اضطراب شد دیگر آن القائنات شیطانی است.

خداوند در جای دیگر می فرماید: «قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»^۶ ای مردم! همانا از سوی پروردگارتان پند و اندرز برای شما آمد که مایه ی شفا برای آنچه در سینه های شماست و هدایت و رحمتی برای مومنان است. «تعلیم موعظه، شفای دل،

^۱. همان، ص ۲۵۴.

^۲. همان، ص ۳۲۹.

^۳. منصور، خلیل، الهامات الهی در قلوب پاک انسانی، سایت سماموس، ۱۴۰۲/۸/۲.

^۴. رعد، آیه ۲۸.

^۵. تقی زاده، عبدالستار، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، سایت بلاگفا، ۱۳۹۵/۹/۲۸.

^۶. یونس، آیه ۵۷.

الهام و القا از خواطر هستند خواطر جمع خاطر است خاطر به معنای خطاب و اندیشه‌های است که به شتاب بر قلب وارد می‌شود و در آن درنگ نمی‌کند. خاطری که از جانب خدا باشد خاطر حق و خاطره ربانی و رحمانی خاطره الهام است، اگر از طرف شیطان باشد وسواس است.

خاطره که از جانب خداوند و ملک باشد دعوت به خیر است و محمود و پسندیده است والهام نام دارد. و خاطری که از جانب نفس و شیطان است دعوت کننده بشر است و مذموم و ناپسند است القاء نام دارد. بنابراین مبدا الهام از سوی خداوند و ملک است و مبدا القا شیطان و نفس است.

خدای متعال استفاده کرد خداوند پاداشی به او میدهد و اسباب هدایت و رساندن او به سعادت از طریق الهامات را برای اوباز می‌کند و الهامات دعوت کننده به خیر که مبلغ آن‌ها خداوند و فرشتگان بودند به قلب او وارد می‌شود.

در فرق گذاشتن بین این دو و جدا کردن این دو از هم و شناختشان مشکلی نیست و تمییز دادن این دو از هم خیلی سخت نمی‌باشد، آن چه که مهم است جایی است که شیطان شر را در لباس خیر به شیطان عمل آدمی را آنچنان زینت می‌دهد که بوسیله تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل، در دل آدمی القاء می‌کند که عمل بسیار خوبی است، و در نتیجه انسان از عمل خود لذت می‌برد و قلبا آن را دوست می‌دارد، و آن قدر قلب متوجه آن می‌شود که دیگر فرصتی برایش نمی‌ماند تا در عواقب وخیم و آثار سوء و شوم آن تعقلی کند. الهامات الهی همواره توأم با شرح صدر است و آدمی را به سوی مغفرت و فضل خدا میخواند اما خطورات شیطانی همواره ملازم با تنگی سینه و بغل نفس است و آدمی را به پیروی هوای نفس می‌خواند.

شیطان دشمن سرسخت و آشتی ناپذیر انسان از هر راه و اسباب بیرونی و درونی استفاده می‌کند تا همدم و همنشین انسان شود و او را گمراه کند. لحظه لحظه برای انسان زمینه سازی می‌کند اول از راه ترغیب و تشویق به صورت ماهرانه و پنهانی کارهای زشت و پلید او را در نظرش زیبا جلوه میدهد و آنچه را می‌خواهد با نفوذ بر دلها القا میکند و این افکار درظاهر خیردر نظر انسان الهام الهی جلوه پیکند و ناخواسته محرک برعمل شر می‌شود.

انسان برای اینکه از حيله گری شیطان درامان باشد باید القاء شیطانی را از الهام الهی تشخیص دهد و اگر این شناخت نباشد دردام شیطان گرفتار می‌شود. عدم شناخت القاء والهام و معرفت وشناخت نداشتن انسان به خداوند وفرامین الهی وشناخت خویش وعدم وجود تقوای یکی از

عوامل اصلی تشخیص ندادن الهام از القاء است بنابراین انسان زمانی که القاء و الهام را شناخت و به معرفت الهی و فرامین الهی و خودشناسی رسید و به مبدا و مقصد القاء و الهام مقصود آنها پی برد... کمتر دچار گمراهی می شود.

برای شناخت فرامین و دستورات الهی و پیدا کردن مسیر راه حق و گمراه نشدن باید آنچه به ذهن نفوذ می کند را به قرآن کتاب الهی عرضه کرد از آیات قرآن چنین بر می آید که در تشخیص الهام و القاء باید توجه داشت که الهامات الهی همواره توأم با شرح صدر است و آدمی را به سوی مغفرت و فضل خدا میخواند اما خطورات شیطانی همواره ملازم با تنگی سینه و بغل نفس است و آدمی را به پیروی هوای نفس می خواند و سنت که فعل و تقریر معصومین علیه السلام است بسیار کمک می کند آنچه مغایرت دارد را کنار بگذارد.

گاهی لازم می شود برای تشخیص الهام و القاء، خاطر را با میزان شرع ارزیابی کرد، اگر جزء واجب و مستحب بودن را انجام دهد و الهام است و اگر حرام و مکروه بود آن را ترک کند که القاء است و به عقل که یکی از راههای تشخیص مسبر حق از باطل است عرضه کرد و اگر مغایرت عقلانی نداشت الهام الهی است ولی اگر مغایرت داشت القاء شیطانی است و حتما باید به خداوند از شیطان پناه برد و از پروراندن این القاءات در ذهن دوری کرد که ناخواسته محرک بر فعل نادرستی نشوند.

*قرآن

منابع فارسی

- ۱- جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، چاپ اول، انتشارات: قم: مؤسسه انتشاراتی اسراء، ۱۳۸۱.ش.
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات: تهران: روزنه، ۱۳۷۷.ش.
- ۳- سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، چاپ دوم، انتشارات: تهران: طهوری، ۱۳۷۳.ش.
- ۴- صادقی، جمال، آن سوی مرگ، چاپ ۸۷، انتشارات: تهران: ذهن آویز، ۱۴۰۲.ش.
- ۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، چاپ اول، انتشارات: تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.ش.
- ۶- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۴، ۶، چاپ یازدهم، انتشارات: تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳.ش.

منابع عربی

- ۷- صدر المتألهین شیرازی، محمدبن ابراهیم، الحکمه المتعالیه، ج ۱، چاپ اول، انتشارات: تهران: موسسه بنیاد حکمت اسلامی، ۱۳۸۳.ش.
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.ق.
- ۹- طریحی، فخرالدین بن محمد، ج ۴، مجمع البحرین، انتشارات: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.ش.
- ۱۰- طیب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، چاپ دوم، انتشارات: تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.ش.
- ۱۱- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالحکم، چاپ هشتم، انتشارات: قم: دارالحديث، ۱۳۹۵.ش.
- ۱۲- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۷، چاپ اول، انتشارات: تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.ش.

۱۳- مدرس، سید محمد تقی، **من هدی القرآن**، ج ۱۵، چاپ دوم، انتشارات: بیروت: دارالقاری، ۱۴۲۹ ه.ق.

۱۴- مغنیه، محمد جواد، **تفسیر الکاشف**، ج ۳، چاپ اول، انتشارات: تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ه.ق.

۱۵- طباطبایی، محمدحسین، **المیزان**، ج ۱۸، ۲۰، ۶، چاپ پنجم. انتشارات: قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه.ق.

مقالات

۱۶- طاهری، سید صدرالدین، الهامات قدسی و القائنات شیطانی از دیدگاه ملاصدرا، پژوهش های معرفت شناختی، شماره ۱، ۱۳۹۱ ه.ش.

سایت ها

۱۷- سایت مجازی تدبیر در قرآن، <http://tadabbor.org>. ۱۳۸۲/۸/۶

۱۸- منصور، خلیل، الهامات الهی در قلوب پاک انسانی، سایت ساموس، ۱۴۰۲/۸/۲.

<https://www.samamos.com>

۱۹- تقی زاده، عبدالستار، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، سایت بلاگفا،

<http://www.blogfa.com>. ۱۳۹۵/۹/۲۸

